



مجموعه آثار

علامه سید مرتضیٰ علم‌الحق

برگستره کتاب و سنت

مترجم: محمد جواد کریمی



مصحف در روایات و اخبار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بر کساره کتاب و سنت

مصنف در روایات و اخبار

تألیف: علامه سید مرتضیٰ عسکری

ترجمہ: محمد جواد کرمی

تصحیح و تنظیم: کرمرضا خزلی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا). (سوره احزاب، آیه ۲۱)
به راستی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) برای شما
اسوه و سرمشق نیکویی است، برای آنان که به خدا و روز
قیامت امید داشته و خدا را بسیار یاد می کنند.

مقدمه ناشر:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(الحمد لله رب العالمين كثيراً كما هو أهله، و الصلاة والسلام على محمد وآله الطيبين الطاهرين، سيما بقیة الله فی العالمین، واللعنة على أعدائهم ومخالفیهم و منكری فضائلهم).

همانا انبیای الهی و در پی ایشان اوصیای آنها و در دوران غیبت علمای دین گشایندگان راه و روشن کنندگان مسیر الی الله هستند. مثل آنها مانند ماه و ستارگان در شب تاریک و ظلمانی است. سوسو زنان هدایتگر جا ماندگان در راهند.

انبیا و اوصیای ایشان طلیعه داران این مکتبند. علما و فقهاء پیروان ایشانند در دوران غیبت در شناسایی سیره انبیا و اوصیا که حقیقت اسلام است و در اعمال و حرکات و گفتار آنان تجسم شده است. این علما و فقها هستند که سره و ناسره را از هم جدا کرده و به کنکاش در حقیقت اسلام پرداخته و آن را در اختیار مردم قرار می دهند تا آنان را از غرق شدن در گرداب جهالت نجات دهند.

حضرت آیت الله علامه عسکری یکی از این شخصیت‌های نادر در جامعه اسلامی تشیع است که عمر شریف و با برکت خود را در تحقیق و تدبر در شناخت اسلام مکتب **اهل بیت** (علیهم السلام) گذرانده است. ایشان مباحث دینی را از جایگاه برخورد‌های سطحی به عمق تحقیق علمی کشاند و به دور از تعصبات مذهبی و با ادله مورد قبول دو مکتب **اهل بیت** (علیهم السلام) و مکتب خلفا به دفاع از مذهب تشیع پرداخت.

بدین سبب تألیفات معظم له در سراسر جهان اسلام اشتها خاصی یافته و به زبانهای مختلف ترجمه و منتشر گردیده است.

کتاب حاضر تدوین شده هفده جزوه بر گستره کتاب و سنت است که در سالهای قبل به صورت مجزا و در قطع جیبی چاپ گردیده است و شامل بررسی و پاسخهای جامع و مانع ایشان از مصادر و کتب معتبر اهل سنت به مسائل مطرح شده آنها علیه مکتب **اهل بیت** (علیهم السلام) است.

موسسه علمی فرهنگی علامه عسکری در جهت حمایت مادی و معنوی از فعالیتها و آثار علامه عسکری و گسترش هرچه بیشتر دامنه این فعالیتها در فعالیتها در سطح جوامع اسلامی تشکیل شده است.

روابط عمومی موسسه علمی فرهنگی علامه عسکری

مقدمه

(وحدت بر محور کتاب و سنت)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ السَّلَامُ عَلٰى اَصْحَابِهِ الْبَرَّةِ الْمَيَامِينِ).

ما مسلمانان یکپارچه، از درون و از راه مسائل اختلافی با خود به نزاع برخاستیم و دشمنان اسلام از برون و از راهی که ندانستیم، وحدتمان را به تفرقه و شوکتان را به ضعف کشاندند تا از دفاع ناتوانمان کردند و بر ما چیرگی یافتند؛ در حالی که خدای سبحان فرموده است:

(وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِجَاكُمْ) (۱)

خدا و پیامبرش را اطاعت کنید و با یکدیگر نزاع نکنید که ناتوان شوید و قدرت و شوکت شما برود!

پاورقی:

۱- سوره انفال، آیه ۴۶.

آری:

(وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ) (۱)

هر مصیبتی به شما رسد، دستاورد خودتان است و خداوند بسیاری را نیز، می بخشد!

پس شایسته آن است که امروز و هر روز، به « کتاب و سنت » بازگردیم و وحدت کلمه خود را بر محور « کتاب و سنت » باز یابیم که خدای متعال می فرماید:

(فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ). (۲)

اگر در چیزی نزاع کردید [حکم] آن را به خدا و رسول بازگردانید.

ما نیز، در این سلسله از بحثها به « کتاب و سنت » مراجعه کرده و ابزار روشننگر راهمان در مسائل مورد اختلاف را از « کتاب و سنت » می گیریم تا به اذن خدای متعال بار دیگر وسیله وحدت کلمه و یکپارچگی شود. امیدواریم دانشمندان و متفکران اسلامی نیز، در این میدان با ما همراهی نموده و دیدگاههای خود را برای ما ارسال دارند.

سید مرتضی عسکری

پاورقی:

۱- سوره شوری، آیه ۳۰.

۲- سوره نساء، آیه ۵۹.

مصحف در روایات و اخبار

۱- معنای مُصْحَف در لغت عرب

در زبان عرب، به چیزی که در آن می نویسند « صحیفه » و جمع آن را، صحائف، صُحُف و صُحُف گویند. (۱) و « مُصْحَف » و « مِصْحَف » را، « الجامع بین الدَّقَّتین » یعنی مجموعه میان دو جلد، نامند.

در تفسیر « دَقَّتین » گفته اند: الدَّقَّةُ: جنب و پهلوی و صفحه هر چیز است. پوست کشیده شده بر دو روی طبل را که بر آن می کوبند نیز، « دَقَّتَا الطَّبْل » یعنی جلدهای دو طرف طبل نامیده اند.

و از این رو، جلد اول و آخر کتاب را نیز « دَقَّتَا الْمُصْحَف » یعنی دو جلد در بردارنده « صفحات » کتاب می نامند، و هرگاه می گویند: « حَفِظَ مَا بَيْنَ الدَّقَّتَيْنِ » (۲) مقصودشان این است که، کتاب در میان دو جلد آن محفوظ است.

بنابراین « مُصْحَف » نام کتابِ جلد شده است. زیرا، اگر « صحیفه » همان

پاورقی:

-
- ۱- مراجعه کنید: مفردات، راغب؛ لسان العرب، ابن منظور؛ المحکم، ابن سیده؛ الصحاح، جوهری؛ قاموس المحيط، فیروز آبادی، ماده صحف.
 - ۲- مراجعه کنید: تاج العروس زبیدی؛ المعجم الوسیط، ماده دقف.

است که در آن می نویسند و جمع آن صُحُف، «مُصْحَف» نیز، جامع و دربردارنده «صُحُف»ی است که میان دو جلد است. پس «مُصْحَف» در کلام عرب به معنای «کتابِ جلد شده» در زبان فارسی است، چه قرآن باشد و چه غیر قرآن.

۲- مُصْحَف در اصطلاح صحابه

واژه «مُصْحَف» در روایاتِ «جمع قرآن» تا زمان عثمان، به همان معنای لغوی به کار رفته است.

بخاری از صحابی «زید بن ثابت» روایتی دارد که فشرده آن چنین است: زید گوید: «خلیفه ابوبکر به او دستور داد تا قرآن را جمع کند. گوید: همه قرآن را گرد آوردم. صفحات گرد آمده نزد ابوبکر بود تا از دنیا رفت. سپس در حیات عمر نزد او، و پس از وی نزد حفصه دختر عمر باقی بود.»
بخاری بعد از آن از آنس روایتی آورده که فشرده اش چنین است:

«هنگامی که عثمان تصمیم به جمع قرآن گرفت او را نزد حفصه فرستاد که «صُحُف» و نوشته ها را نزد ما بفرست تا «مصحف» را از روی آنها نسخه برداری کنیم و سپس به تو بازگردانیم... تا آخر خبر».^(۱)

بدیهی است که واژه «صُحُف» و «مَصَاحِف» در این دو روایت، به همان معنای لغوی یعنی: نوشته ها و کتابهای جلد شده، آمده است.

پاورقی:

۱- صحیح بخاری، کتاب فضائل القرآن، باب جمع القرآن، ج ۳، ص ۱۵۰.

صریح تر از آنچه در روایت بخاری آمده، روایاتی است که ابو داود سجستانی سیستانی^۱ در باب: «جمع قرآن در «مُصْحَف» در کتابش به نام «المصاحف» به گونه زیر آورده است:

الف: از محمد بن سیرین روایت کند که گفت: هنگامی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) رحلت فرمود، علی (علیه السلام) سوگند خورد که جز برای نماز جمعه ردا بر دوش نگیرد تا قرآن را در «مُصْحَف» جمع کند.

ب: از ابی العالیه روایت کند که: آنان قرآن را در زمان خلافت ابی بکر در یک «مُصْحَف» جمع کردند.

ج: از حسین روایت کند که: عمر بن خطاب دستور جمع قرآن را داد، و او اولین کسی بود که قرآن را در «مُصْحَف» جمع کرد. (۱)

استشهاد ما به این روایات سه گانه از آن رواست که: در زمان روایت آنها معنای «مُصْحَف» اعم از قرآن بوده است، و چنانکه گذشت، در آنها به ترتیب آمده بود:

الف: تا قرآن را در «مُصْحَف» جمع کند.

ب: قرآن را در «مُصْحَف» جمع کردند.

پاورقی:

۱- کتاب المصاحف، عبدالله بن ابی داود سجستانی متوفای [۳۱۶ هجری]، تصحیح دکتر اثر جفری، چاپ اول، قاهره [۱۳۵۵ هجری]. روایات الف و ج در ص ۱۰ و روایت ب در ص ۹، آمده است.

ج: دستور جمع قرآن را داد، و او اولین کسی بود که قرآن را در « مُصْحَف » جمع کرد.

حال، اگر « مُصْحَف » در نزد آنان همان قرآن بود معنای روایات بدین گونه می شد:

الف: تا قرآن را در قرآن جمع کند.

ب: قرآن را در قرآن جمع کردند.

ج: او اولین کسی بود که قرآن را در قرآن جمع کرد.

۳- مُصْحَف در روایات امامان اهل بیت (علیهم السلام)

« مصحف » در روایات امامان اهل بیت (علیهم السلام) نیز، به همان معنای لغوی مکتب خلفاست. کلینی در کافی باب: « قراءه القرآن فی المصحف » روایت کند که:

۱- امام صادق (علیه السلام) فرمود:

(مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ فِي الْمُسْخَفِ مَتَّعَ بِبَصَرِهِ، وَ خَفَّفَ عَنِ الدِّيَةِ، وَ
إِنْ كَانَ كَافِرًا).

هر کس قرآن را در « مُصْحَف » تلاوت کند، دیدگانش را بهره مند و پدر و مادرش را - اگرچه کافر باشند - سبک بار گرداند.

۲- و نیز، فرموده:

(قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ فِي الْمُسْجَدِ تُخَفِّفُ الْعَذَابَ عَنِ الْوَالِدَيْنِ، وَلَوْ كَانَا كَافِرَيْنِ).

تلاوت قرآن در مسجد، عذاب پدر و مادر را - اگرچه کافر باشند - کاهش می دهد. (۱)

پس، با توجه به آنچه آوردیم، «مُصْحَف» در کلام صحابه و تابعین و راویان مکتب خلفا و مکتب اهل بیت (علیهم السلام) به معنای «کتاب جلد شده» به کار رفته است. یعنی «مُصْحَف» در گفتگوها و محاورات صدر اسلام در همان معنای لغوی استعمال شده، و پس از آن، در دوره های بعد، قرآنِ مدوّن جلد شده به «مُصْحَف» شهرت یافته است.

۴- «مصحف» در اخبار مکتب خلفا

در مکتب خلفا کتابهای دیگری جز قرآن را نیز، «مصحف» نامیده اند که از جمله آنهاست:

مصحف خالد بن معدان

ابن ابی داود [متوفای، ۳۱۶ هجری]، ابن عساکر [متوفای، ۵۷۱ هجری]، مزّی [متوفای، ۷۲۴] و ابن حجر [متوفای، ۸۵۲] در شرح حال خالد بن معدان گویند:

پاورقی:

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۶۱۳، چاپ تهران، ۱۳۸۸ هجری.

علم خالدين معدان در «مُصَحَّف» وى بود كه تُكْمه و جاي تُكْمه داشت. (۱)

معرفى خالد بن معدان

ابن اثير [متوفى، ۶۳۰ هجرى] در ماده «الكلاعى» (۲) شرح حال او را آورده خالد بن معدان از بزرگان علمای شام و از تابعين در اسلام بود كه هفتاد نفر از صحابه را درك كرده است. و گويد: خالد در سال ۱۰۳ يا ۱۰۴ يا ۱۰۸ هجرى از دنيا رفته است.

۵- شهرت واژه «مُصَحَّف» در نوشته هاى جلد شده

استعمال واژه «مصحف» در آنچه نوشته و جلد شده، يعنى كتاب مجلد، در نزد علما و پژوهشگران مكتب خلفا، مشهور و متداول بوده كه دو نمونه آن را مى آوريم:

پاورقى:

۱- المصاحف، ص ۱۳۴ - ۱۳۵؛ تاريخ دمشق، خطى، كتابخانه دمشق نسخه تصويرى «مجمع علمى اسلامى» به شماره ۲، ۲۵۹؛ تهذيب الكمال، خطى، نسخه تصويرى مجمع علمى اسلامى، ج ۲، ص ۱۷۰؛ تهذيب التهذيب، ج ۳، ص ۱۱۸ - ۱۱۹.

۲- اللباب فى تهذيب الأنساب، ج ۳، ص ۶۲ ۶۳، مصادر آن نيز در حاشيه شماره ۸ آمده است.

الف) ابن ابی داود سجستانی از بزرگان قرن سوم هجری در کتاب خود المصاحف چنانچه گذشت عنوان داشته که:

۱- ابوبکر صدیق (رض) پس از رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، قرآن را در « مصاحف » گرد آورد.

۲- علی بن ابی طالب (رض) قرآن را در مصحف جمع کرد.

۳- عمر بن خطاب (رض) قرآن را در مصحف گرد آورد.

ب) از علمای معاصر نیز، ناصرالدین الأسد در کتاب خود مصادر الشعر الجاهلی گوید: آنان واژه « مصحف » را بر کتاب جمع شده اطلاق می کردند و مرادشان از آن، مطلق کتاب بود، نه قرآن تنها. از جمله آنها... تا آخر خبر.

او سپس داستان « مصحف » خالد بن معدان را نیز، از کتاب مصاحف ابن ابی داود سجستانی آورده است. (۳)

۶- مصحف در اصطلاح امتهای گذشته و نامگذاری کتب دینی سابق به «مصحف»

ابن سعد در طبقات به سند خود از قول سهل مولای عتیبه روایت کند که گفته است: او فردی نصرانی و از مردم « مریس » بوده، یتیمی که در دامن پدر و پاورقی:

۱- مصادر الشعر الجاهلی، ص ۱۳۹، چاپ پنجم، به نقل از مصاحف سجستانی، ص ۱۳۴ - ۱۳۵.

عمویش پرورش یافته و انجیل را تلاوت می کرده است. گوید: من « مصحف » ی را از عمویم گرفته و آن را می خواندم که به ورقه ای ناشناخته، با نوشته ای غیر معمول رسیدم، با دست آن را لمس کرده، دیدم برگه های آن به هم چسبیده است. آن را گشودم و دیدم صفات حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) بدین گونه در آن آمده است که: نه کوتاه و نه بلند، سفیدروی، پرموی، دو رشته که میان دو کتف او مهر [نبوت] است. بخشش او زیاد بوده و صدقه را نمی پذیرد. بر حمار و شتر سوار می شود و گوسفند را با دست خود می دوشد و لباس پشمینه می پوشد، و هر که چنین کند از کبر دوری جسته است، و او این کار را می کند. از ذریّه و نسل اسماعیل بوده و نامش احمد است. سهل گوید: بدینجا که رسیدم، عمویم سررسید و چون آن ورقه را گشوده دید مرا کتک زد و گفت: تو را با گشودن این ورقه و خواندن آن چه کار؟ گفتم: در آن صفات احمد پیامبر (صلی الله علیه و آله) است. گفت: او هنوز نیامده است. (۱)

بدین گونه « مصحف » را اسمی عام برای نوشته های جلد شده یافتیم، و اگر آنچه در روایت مصاحف ابن ابی داود آمده صحت داشته باشد که، ابوبکر قرآن را « مصحف » نامیده است، این نامگذاری تا زمان خلافت عثمان شهرت نیافته بود و این موضوع از دو روایت پیشین که از صحیح بخاری آوردیم آشکار می گردد، و نامیدن قرآن به « مصحف » تنها بعد از آن دوران شهرت یافته، و در آن هنگام نیز، این نامگذاری منحصر به قرآن نبوده، بلکه در هر دو مکتب خلفا و اهل بیت (علیهم السلام) کتابهای دیگری به این نام بوده است که یکی از آنها مصحف فاطمه (علیها السلام) دخت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می باشد.

پاورقی:

۱- طبقات ابن سعد، ج ۱، ص ۲۶۳، چاپ بیروت.

۷- مصحف فاطمه (علیها السلام) دخت رسول خدا (صلی الله

علیه و آله)

در روایات آمده است: «فاطمه (علیها السلام) دخت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را کتابی بوده به نام مصحف که خبرهائی از غیب در آن درج شده بود.»

در کتاب بصائر الدرجات با بیش از یک سند از قول امام صادق (علیه السلام) آمده است که آن حضرت در جواب کسانی که نزد او آمده و از آنچه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) برای علی (علیه السلام) و او برای حسن (علیه السلام) باقی گذارده، سؤال می کردند، فرمود:

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) چیزی را نزد ما باقی گذارده که همه آنچه بشر نیازمند آن است، حتی خسارت خراش ناخن نیز، در آن هست و فاطمه (علیها السلام) مصحفی باقی گذارده که قرآن نیست... تا آخر حدیث. (۱)

بنابراین، دخت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) چنانکه گذشت کتابی به نام مصحف داشته است. همان گونه که نام کتاب خالد بن معدان نیز، مصحف بوده است، و امامان اهل بیت (علیهم السلام) که این خبر را داده اند تصریح کرده اند که آن مصحف قرآن نبوده و چیزی از قرآن در آن نیست، بلکه اخبار حوادثی است که در آینده خواهد شد.

ولی با کمال تأسف، برخی از نویسندگان مکتب خلفا با افترا و تهمت گویند:

پاورقی:

۱- بصائر الدرجات، ص ۱۵۶. مشروح روایت در کتاب معالم المدرستین، ج ۲، ص ۳۲۲ آمده

است.

«مصحف فاطمه نزد پیروان مکتب اهل بیت، قرآنی دیگر است! در حالی که پیروان مکتب اهل بیت (علیهم السلام) هرگز این سخن را درباره مصحف خالد نگفته اند.»

۸- مصاحف صحابه

بسیاری از صحابه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مصحف هایی داشتند که هر یک از آنان قرآن را همراه آنچه از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در تفسیر برخی از آیات آن می شنیدند می نوشتند. بنابراین، معنای مصاحف صحابه در عصر خود آنان می شود «قرآن نوشته شده با حدیث پیامبر در تفسیر برخی از آیات». همان گونه که در تفاسیر روائی آمده و تفسیر دُرِّ المنثور سیوطی، در مکتب خلفا، و تفسیر برهان بحرانی در نزد پیروان مکتب اهل بیت (علیهم السلام)، چنین اند.

نمونه هایی از مصاحف صحابه

(الف) مصحف ام المؤمنین عایشه

از ابی یونس خادم عایشه روایت کنند که گفت: عایشه به من فرمود تا مصحفی برای او بنویسم و گفت: «هرگاه به این آیه رسیدی: (حافظوا علی الصلوات و الصلوٰۃ الوسطی) مرا خبر کن. [گوید:] هنگامی که به آن آیه رسیدم

آگاهش کردم و او چنین املا کرد: « حافظوا على الصلوات و الصلوة الوسطى و صلاة العصر و قوموا لله قانتين ». عایشه گفت: این را از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شنیدم.

(ب) مصحف ام المؤمنین حفصه

از ابو رافع خادم حفصه روایت کنند که گفت:

حفصه از من خواست تا مصحفی بنویسم و گفت: هرگاه به این آیه رسیدی: (حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ...) بیا تا آن را همان گونه که فرا گرفته ام بر تو املا کنم. [گوید:] به آیه که رسیدم گفت: بنویس: « حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ الْوُسْطَى و صلاة العصر ».

بنابر آنچه گذشت، مصاحف در صدر اسلام، همانند کتابهای تفسیر در زمان ما، در بردارنده قرآن و بیان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در تفسیر آیات آن بوده است.

پس از آن، سیاست خلفای بعد از پیامبر (صلی الله علیه و آله) به خاطر مسائلی بر آن شد تا قرآن را از حدیث رسول خدا (صلی الله علیه و آله) جدا کنند که شرح آن را بیان می داریم:

۹- سیاست جداسازی قرآن از حدیث رسول خدا (صلی الله علیه و آله)

برخی از آیات قرآن کریم در نکوهش بزرگان قریش و کسانی نازل شده که با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می جنگیدند؛ و بخشی نیز، در نکوهش قبایل

برخی صحابه قریشی، مانند آیه (۶۰) سوره اسراء که درباره بنی امیه یا افرادی از صحابه می فرماید: (وَالشَّجَرَةُ الْمَلْعُونَةُ فِي الْقُرْآنِ)، و آن درخت نفرین شده در قرآن.

یا این دو آیه سوره تحریم [۵ - ۴] که درباره ام المؤمنین عایشه و ام المؤمنین حفصه می فرماید:

(إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ).

اگر شما دو زن به سوی خدا باز گردید که دلهای شما منحرف گردیده، [به سود شماست] و اگر بر علیه او [پیامبر] متحد شوید بدانید که خدا خود یار و مددکار او بوده و جبرئیل و صالح مؤمنان و فرشتگان، بعد از آن، پشتیبان او خواهند بود.

و به دنبال آن می فرماید:

(عَسَى رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَكُنَّ أَنْ يُبَدِّلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكُنَّ مُسْلِمَاتٍ مُؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَأَبْكَارًا).

ای بسا که اگر شما را طلاق گوید، خداوند زنانی بهتر از شما را نصیب او گرداند، زنانی مسلمان و مؤمن، تسلیم و تائب و عابد و هجرت کننده، غیر دوشیزه و دوشیزه.

در برابر این آیات، آیات دیگری است که در مدح و ستایش دیگران نازل گردیده مانند آیه تطهیر در سوره احزاب [۳۳] که درباره رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و علی و فاطمه و حسن و حسین (علیهم السلام) نازل گردیده و فرموده:

(إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُم تَطْهِيراً).

خداوند، تنها اراده کرده تا رجس و پلیدی را از شما اهل بیت بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند.

بیان شأن نزول این آیات و غیر آنها، که در حدیث رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آمده، با سیاست خلفای سه گانه مخالف بود. بدین خاطر، شعار «حسبنا کتاب الله» را اعلام کرده و قرآن را از «حدیث» رسول الله (صلی الله علیه و آله)، بدین گونه جدا ساختند: ابتدا ابوبکر دستور داد نسخه ای از قرآن را جدای از «حدیث» رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بنویسند. این کار در زمان خلافت عمر پایان یافت. وی پس از آن، کار خود را در منع و جلوگیری از نشر حدیث پیامبر (صلی الله علیه و آله) آغاز کرد. پس از وفات عمر که میان برخی از صحابه و تابعین با بنی امیه و خویشاوندان عثمان درگیری و دشمنی پدید آمد، دشمنان آنان شروع به روایت احادیث رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در نکوهش هیئت حاکمه خلافت کردند. به ویژه که هنوز مصاحف برخی از مخالفان با بیان رسول الله (صلی الله علیه و آله) در اختیارشان بود و به احادیث آن استدلال می کردند. عثمان که چنین دید به پاخواست و به تثبیت و اجرای این شعار پرداخت که: «قرآن را از حدیث رسول خدا (صلی الله علیه و آله) جدا کنید».

پس از آن، نسخه جدای از حدیث پیامبر (صلی الله علیه و آله) را از ام المؤمنین حفصه گرفته و از روی آن چند نسخه استنساخ و آنها را به شهرهای مسلمانان فرستاد و دیگر مصاحف صحابه را که صاحبانش، نص آیات را همراه با بیان و تفسیری که از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شنیده بودند در دست داشتند، همه را جمع کرده و آتش زد. دیگر مسلمانان نیز، پس از آن واقعه، مصحف های خود را از روی این مصحف که از بیان رسول خدا (صلی الله علیه و آله)

آله) خالی بود استنساخ کردند.

پس از آن، واژه « مُصْحَف » نامی شد عَلم برای قرآنِ مجرد و جدا از بیان رسول خدا (صلی الله علیه و آله). مرور زمان نیز باعث شد تا مسلمانانِ دوره های بعد ندانند که در مصاحف صحابه، نص قرآنی با بیان تفسیری رسول خدا (صلی الله علیه و آله) همراه بوده است.

هنگامی که منصور خلیفه عباسی در سال ۱۴۳ هجری علمای مسلمان را به تدوین علوم برانگیخت، و متخصصان علوم قرآنی به نوشتن بیان و تفسیر آیات همان گونه که در زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بود مبادرت کردند، مُصْحَفی که در آن، نص قرآنی با بیان تفسیری آیات همراه بود، تفسیر نامیده شد.

وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ

ساعت: ۰۹/۵۸

روز: دوشنبه

۰۳ / خرداد ماه / ۱۳۹۵

کرمرضا خزلی

یار مهربان

www.bagheminoo.com

baghemino.1339@gmail.com

[Tel:09125411283-09356411283](tel:09125411283-09356411283)

دکتر رضا خانی